

بررسی عناصر داستان در کتاب‌های کودکان گروه سنی «ج» منتشر شده در فاصله سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۴

دل‌آرام جباری

کارشناس ارشد، علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، مشهد، ایران

delaram.jabbary@gmail.com

ایرج رداد (نویسنده مسئول)

استادیار، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، مشهد، ایران

irajradad@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۴

چکیده

هدف: پژوهش حاضر به منظور تعیین وضعیت عناصر داستان در کتاب‌های گروه سنی «ج» منتشر شده در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ صورت گرفته است.

روش: این پژوهش به لحاظ هدف از نوع کاربردی است که به روش تحلیل محتوا با رویکرد توصیفی انجام پذیرفته است. جامعه آماری پژوهش را کلیه کتاب‌های داستانی گروه سنی «ج»، منتشر شده در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ تشکیل می‌دهد که از میان آن‌ها تعداد ۱۰۰ عنوان با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی نظام‌مند انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها سیاه‌وارسی محقق‌ساخته‌ای متشکل از عناصر داستانی شخصیت‌پردازی، طرح، فضا سازی، درون‌مایه، زاویه دید، سبک، لحن و تصویرپردازی بود. روایی صوری سیاه‌وارسی توسط چند متخصص حوزه ادبیات کودکان بررسی و تأیید شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح آمار توصیفی (توزیع و درصد فراوانی) انجام پذیرفت.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که بیشتر شخصیت‌های داستان‌های مورد بررسی از نوع انسان و شیوه غالب در بیان داستان بر اساس یک نظم تاریخی به صورت پیش‌رونده بود. نمادگرایی کمتر مورد استفاده قرار گرفته و درونمایه بیشتر آثار از نوع آشکار بود. به علاوه، تصویرسازی و تجسم دارای بیشترین فراوانی در سبک داستان‌ها بودند.

اصالت/ارزش: جلب مخاطبان کودک و نوجوان به خواندن کتاب‌های داستان از اهمیت وافر در شکل‌گیری شخصیت آن‌ها برخوردار است و در این میان نقش استفاده مؤثر از عناصر داستان در راستای خلق آثاری جذاب و تأثیرگذار انکارناپذیر است. در پژوهش حاضر مشخص شد که نویسندگان داستان‌های کودکان به برخی از این عناصر همچون شخصیت‌پردازی پویا، نمادگرایی و استفاده از لحن‌های مختلف کمتر توجه داشته‌اند و پیش از این، از این زاویه به بررسی داستان‌های کودکان گروه سنی «ج» پرداخته نشده است.

کلیدواژه‌ها: ادبیات کودکان و نوجوانان، کتاب‌های داستان، تحلیل محتوا، عناصر داستان، گروه سنی «ج»

تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی؛ فصلنامه علمی؛
دوره ۲۵، شماره ۱، پیاپی ۹۶، بهار ۱۳۹۸، ص ۱۱۷-۱۵۲
نماینده شده در SID، ISC و MagIran
[Research on Information Science and Public Libraries; The Quarterly Journal of Iran Public Libraries Foundation; Vol. 25, No.1; Successive No. 96; Spring 2019; Pp. 117-152; Indexed in ISC, SID & MagIran.]

A Study into the Narrative Elements in the children Books of the Age Group C Published During 2010-2015

Delaram Jabbary

MSc in KIS, Imam Reza University, Mashhad, Iran
delaram.jabbary@gmail.com

Iraj Radad (Corresponding Author)

Assistant Prof., KIS, Imam Reza University, Mashhad, Iran
irajradad@yahoo.com

Received: 13th February 2018; Accepted: 13th February 2019

Abstract

Purpose: To analyze the fiction components of the children's storybooks of the age group C published during 2010-2015.

Method: This is an applied research in terms of purpose which has been conducted using a survey method of content analysis with a descriptive approach. The statistical population of the research consisted of all the children's books of the age group "C" published during 2010-2015 which were equal to 5787 titles and 100 of them were selected as the research sample using the systematic random sampling method. The data collection tool was a researcher-made checklist that included the narrative elements to be analyzed. The face validity of the checklist was examined and confirmed by several specialists in the field of children's literature. Data were analyzed at a descriptive level including statistical indicators of frequency and frequency percentage and displayed in the form of frequency distribution tables.

Findings: The results showed that most of the characters in the books reviewed were human and stories were narrated in a forward-looking manner based on a historical order. Furthermore, there was less use of symbolism and the theme of most works was more of the explicit kind. In addition, visualization and imagery were the most frequent elements in the style of stories.

Originality/value: Attracting children and young adults to reading storybooks has an important role in shaping their personality, while the role of effective use of the elements of story in creating attractive and influential works is indisputable. It was found out in the present study that some of these elements, such as dynamic personality, symbolism, and the use of different tones, have received lesser attention from the authors of the storybooks for the age group of "C". Furthermore, the stories written for this age group has not been studied so far from this point of view.

Keywords: Children's and Young Adult Literature, Storybooks, Content Analysis, Narrative Elements, Age Group C

مقدمه

ادبیات کودکان به مجموعه آثار و نوشته‌هایی گفته می‌شود که به وسیله نویسندگان متخصص برای مطالعه آزاد کودکان تهیه می‌شود و در همه آنها ذوق و سطح رشد و نضج کودکان مورد توجه است (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۸). در این میان، داستان‌ها و افسانه‌ها، برای کودکان نوعی منبع تغذیه روحی به شمار می‌رود که در شکل‌گیری افکار و شخصیت آن‌ها در آینده و سنین بالاتر نقش اساسی دارد. در این راستا، بتلهایم^۱ (۱۳۸۹) معتقد است به سبب آنکه زندگی کودک اغلب باعث تحیر و سرگشتگی اوست، بیش از هر چیز نیازمند آن است که به او فرصت داده شود در این جهان درهم پیچیده خود را دریابد و این مهم از راه افسانه‌ها و داستان‌ها میسر می‌شود. از سویی دیگر، یکی از کارکردهای داستان در ذهن و روان کودکان، ایجاد لذت است. به عبارت دیگر، کودکان می‌خوانند تا لذت خواندن را تجربه کرده باشند و همراه با شخصیت‌های یک اثر، در کشاکش حوادث داستان، دنیایی جدید را کشف کنند. بدین ترتیب، تأثیرات آموزشی و تربیتی که ادبیات، به ویژه ادبیات داستانی، در روند رشد و شکل‌گیری شخصیت کودکان برجای می‌گذارد، انکارناپذیر است (مکتبی‌فرد، ۱۳۸۹).

در واقع، قصه و داستان ابزار ارزشمندی برای تحریک عدم تعادل یا تعارض شناختی کودک است. مفاهیم و ارزش‌های موجود در داستان موجب می‌شوند که کودک، مفاهیم و نظرات شخصی خود را با آن‌ها مقایسه کند و در صورت تضاد، آن‌ها را برون‌سازی کند. ویژگی‌های مهم دیگر داستان سرگرم‌کنندگی، آرامش‌بخشی و لذت‌بخشی آن است. این تأثیرها همانند نیروی محرکه عمل و تحول ساختارهای ذهنی را آسان‌تر و سریع‌تر می‌کنند. به عبارتی، هنگامی که قصه و داستان اشتیاق کودک را برمی‌انگیزد، تلاش برای برقراری تعادل در او تقویت می‌شود (امین دهقان و پریرخ، ۱۳۸۲). از طرفی، داستان‌های متداول، دنیایی را خلق می‌کنند که نسبت به دنیای خود کودکان ساده‌تر است، اما کاملاً شبیه آن نیست و می‌توانند واقعیت جدیدی را همان‌طور که در بازی ارائه می‌دهند، نشان دهند (آقازاده، ۱۳۸۹). بارزترین خصوصیت ادبیات کودکان برای هر منتقد ادبیات کودکان این است که ادبیات کودکان باید از طریق سرگرمی و جذابیت ذاتی و نه صرفاً از طریق پیام‌های آموزشی که برای کودک جنبه تعلیمی، اجباری و یا

1. Bettelheim

کسل کننده دارد، با کودک خواننده صحبت کند. این ویژگی همچنین مهم ترین روش بیان کننده خصوصیات ادبی کتاب های کودکان است (هانت^۱، ۱۳۸۶). به علاوه، داستان نویس با برگرفتن عناصر داستان و تزریق آن ها در طرح، دست به کار آفرینش داستان می زند (مستور، ۱۳۸۰). پس می توان گفت که عناصر داستانی شاهرگ حیاتی یک داستان را تشکیل می دهند که بررسی این عناصر از طریق بررسی محتوای آثار امکان پذیر است.

هر داستانی برای شکل گیری خود از «ساختار» و «عناصری» تشکیل می شود که با هنرمندی و خلاقیت داستان نویس به صورت یک داستان کامل ظهور و نمود می یابد و داستان نویس با کمک این عناصر به آفرینش پیکره داستان می پردازد. نویسنده با نوشتن یک داستان خوب و پرمحتوا پیام و هدفی سازنده را به خواننده منتقل و القا می کند. داستان وقتی می تواند داستان خوبی باشد که ساخت و ترکیب آن در عناصر تشکیل دهنده اش، وحدت و یکپارچگی داشته باشد و همه عناصر حیاتی و اساسی به هم پیوسته باشند و هر عنصری دلالت ضمنی بر عنصرهای دیگر بکند (میرصادقی، ۱۳۷۷). عناصر داستان اجزای بنیادین تشکیل دهنده داستان هستند. این عناصر شامل درون مایه، طرح، شخصیت، فضاسازی، زاویه دید و سبک است.

«درون مایه» یا «مضمون» نوع نگاه نویسنده به موضوع را بیان می کند. درون مایه پیوند دهنده عناصر اصلی داستان است؛ یا به عبارتی اندیشه و معنای محوری است که در یک نوشته ادبی وجود دارد. آنچه در درون مایه یا تم اهمیت دارد نگاه ویژه نویسنده به موضوع و شیوه ترسیم آن است. درون مایه تمام عناصر داستان مانند موضوع، شخصیت، عمل و وضعیت و موقعیت گره افکنی، کشمکش، بحران، بزنگاه، گره گشایی و هر چیزی را که نویسنده برای عرضه کل معنای مورد نظرش به کار می گیرد انتخاب می کند (یونسی، ۱۳۸۸). طرح همان الگو یا شبکه استدلالی حوادث در داستان است که البته معادل های دیگری نظیر پیرنگ و نقشه نیز برای آن در نظر گرفته اند (میرصادقی، ۱۳۷۷). شخصیت ها اشخاص ساخته شده ای (مخلوقی) هستند که در داستان، نمایشنامه و... ظاهر می شوند. کیفیت روانی و اخلاقی آن ها نیز در عمل و آنچه می گویند و می کنند وجود دارد (میرصادقی، ۱۳۷۷). هر واقعه داستان در زمان و مکان خاصی روی می دهد و به کار گیری دو عنصر زمان و مکان در باور پذیری عمل داستانی نقش مهمی

1. Hunt

دارد (قرل‌ایاغ، ۱۳۸۶). زاویه دید شیوه‌ای است که نویسنده به کمک آن مصالح و مواد داستانی خود را به خواننده ارائه می‌کند و درواقع نمایشگر رابطه نویسنده با داستان است (میرصادقی، ۱۳۸۵). سبک راه و روشی است که نویسنده برای عینیت بخشیدن به فکر و اندیشه و تخیل خود برمی‌گزیند. تفاوت سبک نویسندگان در نهایت بیانگر تفاوت‌های ذهنی و شخصیتی آن‌هاست. هر نویسنده شیوه کلام و گویش فردی خود را دارد. در نهایت، باید اذعان کرد که سبک شخصی است (نعمت‌اللهی، ۱۳۸۵).

در عصر حاضر، ادبیات کودک و خلق آثاری برای کودکان مورد توجه بسیار قرار گرفته است. در ابتدا خواندنی‌های کودکان ایرانی بیشتر آثار ترجمه از داستان‌های کشورهای دیگر بود اما به مرور زمان بر تعداد تألیف داستان و سرودن اشعار توسط نویسندگان داخلی افزوده شد. از آنجا که اهمیت ادبیات کودک و نوجوان در روند شکل‌گیری شخصیت و روحیه کودکان به حدی است که باید مورد توجه و دقت نظر قرار بگیرد، بررسی محتوای ادبیات داستانی کودکان هر کشوری، یکی از ضروری‌ترین مواردی است که متصدیان امور ادبی و تربیتی آن کشور، باید برای برنامه‌ریزی خود به آن بپردازند. چه بسا عدم استفاده مناسب از عناصر داستانی در کتاب‌های کودکان و در نتیجه تقلیل جذابیت این آثار بر گرایش کودکان و نوجوانان به امر کتاب‌خوانی تأثیر منفی خواهد گذاشت. از این رو، پژوهش حاضر با درک اهمیت موضوع، با هدف تعیین وضعیت عناصر داستان در کتاب‌های کودکان گروه سنی «ج» در صدد پاسخ به این پرسش است که نویسندگان کتاب‌های داستان کودکان از کدام عناصر در داستان‌های خود استفاده می‌کنند و نقاط قوت و ضعف آن‌ها در چیست؟

بررسی‌های صورت گرفته در پایگاه‌های اطلاعاتی مرتبط همچون ایرانداک، مگ ایران و نورمگز حاکی از این واقعیت بود که در ایران بیشتر پژوهش‌های انجام شده در حوزه عناصر داستان در کتاب‌های کودکان با تکیه بر یک یا چند عنصر خاص در تک داستان‌ها و یا مجموعه آثاری از یک نویسنده خاص بوده است و کمتر پژوهشی شناسایی شد که کتاب‌های منتشر شده در یک بازه زمانی خاص را از لحاظ همه ابعاد و ویژگی‌ها بررسی کرده باشد. در همین راستا، محمدی (۱۳۹۲) نیز در پژوهشی که به معرفی تحقیقات مربوط به تحلیل محتوای داستان‌های کودکان و نوجوانان پرداخته است، انواع پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه را

به دو دسته «تحقیقات بدون تأکید بر موضوع خاص» و «تحقیقات با تأکید بر موضوع خاص» تقسیم‌بندی کرده است؛ مرور این پیشینه‌ها نیز مؤید این واقعیت بود که پژوهش‌های انجام‌شده بیشتر بر مضامین و مفاهیم موجود در داستان‌های کودکان تأکید داشته‌اند تا بر بررسی عناصر داستان. از این رو، آثار داخلی معرفی‌شده در این بخش محدود به آن دسته از پژوهش‌هایی است که بیشترین قرابت را با حوزه مورد بررسی در پژوهش حاضر داشته‌اند.

در توصیف وضعیت استفاده از عناصر داستانی در داستان‌های فارسی با تکیه بر آثاری از یک نویسنده خاص، حسین‌زاده صلاتی (۱۳۸۸) در پژوهش خود با روش تحلیل محتوا به بررسی عناصر داستانی در آثار مصطفی رحماندوست پرداخته است. یافته‌های او نشان داد که شخصیت داستان‌های بررسی‌شده، شامل انسان و حیوان و بیشتر از نوع تمثیلی هستند. همچنین، اکثر اشخاص این داستان‌ها، شخصیت‌هایی ایستا، ساده و مثبت دارند. تمامی این داستان‌ها از زاویه دید دانای کل روایت شده‌اند و راوی، اعمال، رفتار و گفتار شخصیت‌ها را برای خواننده بازگو کرده است. در این داستان‌ها از طریق نکوهش اخلاق بد، به شیوه غیرمستقیم، درون‌مایه‌های تربیتی، اخلاقی و اجتماعی مطرح شده و هدف نویسنده، بیان این گونه مسائل، در قالب داستان برای کودکان بوده است. از سویی دیگر، بررسی برخی از این عناصر در گزیده‌ای از داستان‌های کودکان مسئله اصلی پژوهش فروزنده (۱۳۸۸) را تشکیل می‌داد که با روش تحلیل محتوا و با رویکرد توصیفی انجام پذیرفت. وی دریافت که این داستان‌ها دارای پیرنگی ساده‌اند و همچون حسین‌زاده صلاتی (۱۳۸۸) پی برد که شخصیت‌های این داستان‌ها، تک‌بعدی، تمثیلی و در بیشتر موارد ایستا هستند. درون‌مایه داستان‌ها بیشتر مسائل تربیتی و اخلاقی است و نویسندگان با ارائه آمیزه‌ای از واژه و تصویر در داستان‌ها صحنه‌سازی کرده‌اند. به علاوه، تمامی داستان‌ها از زاویه دید دانای کل روایت شده‌اند و فضای آن‌ها آرام و عادی است و همه پایانی خوش دارند.

با این حال، پرداختن به تنها یک عنصر واحد از عناصر داستانی دست‌مایه برخی از پژوهش‌های این حوزه قرار گرفته است که از جمله می‌توان به پژوهش تقیان (۱۳۸۸) اشاره داشت که با هدف بررسی عنصر شخصیت در ادبیات داستانی کودکان سال‌های پس از انقلاب اسلامی، با روش تحلیل محتوا تعداد ۱۸۰ عنوان از آثار پرخواننده را مورد بررسی قرار داد.

یافته‌های او نشان داد که انسان، حیوان، گیاه و شیء به ترتیب شخصیت‌های غالب داستان‌ها هستند. در داستان‌های کودک و نوجوان نویسنده بیشتر با تکیه بر زاویه دید سوم شخص به معرفی و توصیف مستقیم شخصیت می‌پردازد. به تناسب افزایش سن کودک، میزان استفاده از شخصیت حیوانات کاهش می‌یابد و شخصیت‌های انسانی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند. عروسک‌های زنده، تغییر نوع استفاده از جادوگر، کودکان عجیب و دنیای عجایب از مواردی است که در افسانه‌های جدید بیشتر از افسانه‌های عامیانه به چشم می‌خورد. استفاده از شخصیت‌های ساکن بی اثر و سطحی از سایر شخصیت‌ها به مراتب بیشتر است. جعفری (۱۳۹۵) نیز در پایان‌نامه خود با هدف گونه‌شناسی نمادها در ادبیات کودک و نوجوان دهه هشتاد که به روش تحلیل محتوا صورت پذیرفت دریافت که بیشتر نمادهایی که در ادبیات کودک این دوره یافت می‌شود از گونه نمادهای شخصی و متضمن مفاهیم حسی و طبیعت‌گرا و ملموس است. در پژوهشی دیگر، نجفی بهزادی (۱۳۹۵) با هدف مقایسه درون‌مایه داستان‌های نویسندگان برجسته کودک ایران و جهان که به روش تحلیل محتوا انجام شد، ۱۵۰ داستان از آثار ۱۲ نویسنده معتبر ایران و جهان را که در گروه سنی «ب و ج» بررسی کرد. یافته‌های پژوهش او نشان داد که درون‌مایه بیشتر داستان‌های جهان مفاهیمی چون تقویت حس مسئولیت‌پذیری کودک برای آینده، انعکاس تفاوت رفتاری و فکری کودک در تقابل با بزرگسالان و همسالان خود، تقویت قدرت خودباوری و اعتمادبه‌نفس کودک و امثال آن است، درحالی‌که درون‌مایه داستان‌های نویسندگان ایران مواردی همچون نکوهش حسادت و خودبزرگ‌بینی، نارضایتی از یکنواختی زندگی، ارزش دوستی و با هم بودن، مبارزه با ظلم و نابرابری اجتماعی است. نویسندگان جهان، کودک را بدون در نظر گرفتن مسائل اخلاقی، دینی و سیاسی و آن‌گونه که هست، نشان می‌دهند و کودک را فرامنطقه‌ای می‌بینند، درحالی‌که نویسندگان ایران کودک را به گونه‌ای نشان می‌دهند که بیشتر مطلوب فرهنگ و اخلاق جامعه ایرانی است و کمتر به ویژگی‌های کودک توجه می‌کنند. شیوه ارائه درون‌مایه در داستان‌های نویسندگان ایران مستقیم و در داستان‌های جهان اغلب به صورت غیرمستقیم است. محمدی، عرب شیبانی، فلسفین و خویدکی (۱۳۹۶) در پژوهش خود با هدف بررسی شخصیت‌پردازی و محتوایی رمان‌های پرفروش نوجوانان ایران که به روش تحلیل محتوا انجام پذیرفت، دریافتند که

شخصیت‌های اصلی اکثر این رمان‌ها با مسائل و مشکلات مشابهی نظیر فقر، بیماری، خودکشی، مرگ عزیزان و بیماری‌های روحی روبرو بودند و پایان تلخی داشتند. همچنین تشویق خوانندگان جوان به تحصیل و اتخاذ رویکرد مثبت در مواجهه با مشکلات به‌عنوان نکات مثبت و فضایی غم‌آلود، سیاه و متفاوت با واقعیت جامعه از نکات منفی داستان‌ها شناسایی شدند.

پژوهش‌هایی نیز در بررسی ادبیات تحقیق شناسایی شد که در آن‌ها ضمن بررسی محتوای داستان‌های کودکان و تناسب آن با برخی مؤلفه‌های موردنظر محقق، به توصیف وضعیت این داستان‌ها از منظر برخی عناصر داستانی نیز پرداخته شده است؛ از جمله، می‌توان به پژوهش مکتبی‌فرد (۱۳۸۹) اشاره داشت که در رسالهٔ دکترای خود به بررسی تناسب محتوای داستان‌های تألیفی ایرانی برای کودکان و نوجوانان گروه سنی «ج» با مهارت‌ها و مؤلفه‌های تفکر انتقادی پرداخت و به این نتیجه رسید که تعداد اندک داستان‌های حاوی درون‌مایهٔ طنز، وجود راوی‌های مداخله‌گر که منجر به ضعف در توانایی تفسیر و استنباط مخاطب می‌شود، عدم استفادهٔ مطلوب از شگردهای داستانی به‌منظور خلق موقعیت‌های متفاوت و تقویت نقطه‌نظرها و دیدگاه‌های گوناگون، نداشتن شخصیت‌های عمیق و تأثیرگذار که مهارت‌های ذهنی را در کودکان تقویت کند و داشتن درون‌مایه‌هایی همسو و هم‌راستا با مفروضات رایج و پذیرفته‌شدهٔ جامعه در زمان نگارش اثر، از خصوصیات عمدهٔ داستان‌های مورد بررسی بوده است. در همین راستا، محمدی (۱۳۹۱) نیز در پژوهشی که با هدف ارزیابی داستان‌های دینی منتشرشده برای کودکان و نوجوانان در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ از نظر کیفیت محتوا، ساخت و پرداخت، زبان و بیان و شیوهٔ نگارش انجام پذیرفت، دریافت که ارائهٔ نصیحت مستقیم و داشتن تعصب، افتادن در دام پند و شعار، رواج آسان‌پسندی و عدم خلاقیت در آثار، سلیس و روان نبودن زبان اثر مهم‌ترین مشکلات آثار مورد بررسی را تشکیل می‌دادند.

از سویی دیگر، پژوهش‌هایی نیز در بررسی متون شناسایی شد که صرفاً به بررسی محتوای داستان‌ها کودکان و رای عناصر داستانی پرداخته‌اند. از جمله، می‌توان به پژوهش ثقفیان‌خو (۱۳۹۲) اشاره داشت که با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف نشان دادن آسیب‌های ساختاری، محتوایی و تصویری کتاب‌های عاشورایی منتشرشده برای گروه سنی «ب» و «ج» انجام پذیرفت. وی دریافت که بسیاری از داستان‌های مورد بررسی از کلمات مشکل، وجود آرایه‌های ادبی،

اسامی عربی و تعابیر خشن رنج می‌برند. همچنین مشخص شد که عناصر سازنده تمامی این داستان‌ها ساده بوده و مواردی از قبیل عدم رعایت زمان و مکان، پایین بودن کیفیت هنری تصاویر از مشکلات عمده کتاب‌های مزبور بودند. میرافکن زابلی (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی توصیفی-تحلیلی به بررسی ۱۵۹۱ داستان کودک دهه ۶۰ در گروه سنی «الف» تا «ج» پرداخت و به این نتیجه رسید که گروه سنی «ج» پرکاربردترین گروه در این داستان‌ها بودند. همچنین محتوای اخلاقی پرکاربردترین و محتوای مذهبی کم‌کاربردترین محتوا در داستان‌های مورد بررسی بودند.

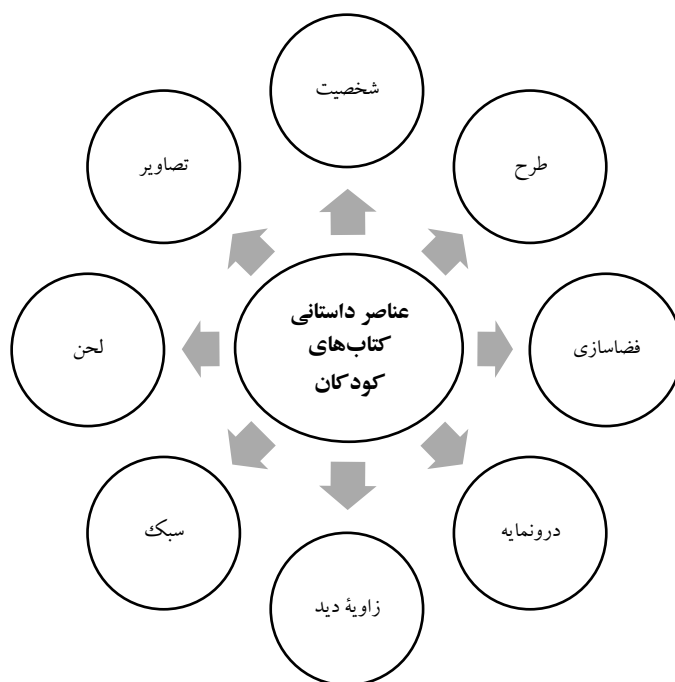
در خارج از کشور، آل-سودری^۱ (۲۰۰۰) به بررسی محتوای کتاب‌های کودک منتشر شده در عربستان سعودی از بُعد عناصر داستان پرداخته است. وی برای بررسی عناصر داستان شخصیت، طرح، محیط، درون‌مایه، زاویه دید، سبک و لحن و برای ویژگی فرهنگی مؤلفه‌های فرهنگی، خانوادگی و مذهبی عربستان را در نظر گرفت. نتایج این پژوهش نشان داد که تعداد اندکی از کتاب‌ها از این عناصر به نحوی صحیح برای جذب مخاطب بهره گرفته‌اند و در مقابل اکثر کتاب‌ها از شخصیت‌هایی با ماهیت دروغین تنها به منظور سرگرم کردن کودکان استفاده کرده‌اند. در همین راستا، کوه^۲ (۲۰۰۵) در پژوهش کیفی خود به بررسی کتاب‌های کودک مصور منتشر شده در تایوان از بُعد فرهنگی و عناصر داستان پرداخت. در این پژوهش شش عنصر داستان شامل محیط، شخصیت‌پردازی، درون‌مایه، طرح، زاویه دید و سبک در کتاب‌های تصویری کودکان مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که از نظر محیط، بیشترین فراوانی مربوط به جامعه روستایی قرن بیستم و از نظر شخصیت‌پردازی، بیشترین فراوانی مربوط به توصیه‌های اخلاقی و دوستی و مهربانی بود و از نظر طرح، عمده داستان‌ها به حل مسئله گرایش داشتند. همچنین از نظر زاویه دید، اکثر داستان‌ها به صورت روایت سوم شخص شکل گرفته بودند و از لحاظ سبک نیز داستان‌های آهنگین بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده بودند. از سویی دیگر، ژانگ^۳ (۲۰۱۱) نیز با هدف تحلیل مؤلفه‌های فرهنگی و تاریخی کشور چین به بررسی کتاب‌های مصور کودکان که به زبان انگلیسی در ایالات متحده آمریکا منتشر شده بودند پرداخت. وی در این پژوهش ۱۵۶ کتاب مصور را در قالب چهار عنصر شامل محیط، شخصیت، لحن و بازنمایی فرهنگی بررسی کرد. نتایج این پژوهش نشان داد که اغلب

1. Al-sudairi 2. Kuo 3. Zhang

داستان‌های مورد بررسی به لحاظ محیط در ناکجاآباد و سال‌های بسیار دور رخ داده است. به لحاظ شخصیت‌پردازی، مشخص شد که هم متن و هم تصویر شخصیت‌ها در این داستان‌ها انواع مختلفی از اشتباهات و یا کلیشه‌های مربوط به مردم چین را نشان می‌دهد. از نظر زبان و لحن، بیان و ایده‌های بسیاری از شخصیت‌های چینی در نسخه‌های انگلیسی به اشتباه برگردانده شده است. به لحاظ بازنمایی فرهنگی نیز برخی موارد متناقض با فرهنگ چین در این داستان‌ها مشاهده شد.

به این ترتیب، مشخص شد که علی‌رغم اهمیت بررسی عناصر داستانی در آثار منتشر شده به منظور تبیین وضعیت موجود و آسیب‌شناسی این آثار و در نتیجه توجه بیشتر نویسندگان آتی و بهبود وضعیت، پژوهشی یافت نشد که به طور اخص عناصر داستانی را در مجموعه کتاب‌های منتشر شده در گروه سنی «ج» در ایران بررسی کرده باشد. از این رو، پژوهش حاضر با هدف پاسخ به این پرسش اصلی انجام پذیرفت که کتاب‌های داستانی فارسی مربوط به گروه سنی «ج» که در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ منتشر شده‌اند به لحاظ عناصر داستان چه ویژگی‌هایی دارند. در راستای این هدف کلی، اهداف فرعی به شرح ذیل مدنظر قرار گرفت و مدل مفهومی تحقیق (شکل ۱) ترسیم شد:

۱. تعیین وضعیت کتاب‌های داستانی فارسی مربوط به گروه سنی «ج» از نظر شخصیت‌پردازی
۲. تعیین وضعیت کتاب‌های داستانی فارسی مربوط به گروه سنی «ج» از نظر طرح
۳. تعیین وضعیت کتاب‌های داستانی فارسی مربوط به گروه سنی «ج» از نظر فضا سازی
۴. تعیین وضعیت کتاب‌های داستانی فارسی مربوط به گروه سنی «ج» از نظر درون‌مایه
۵. تعیین وضعیت کتاب‌های داستانی فارسی مربوط به گروه سنی «ج» از نظر زاویه دید
۶. تعیین وضعیت کتاب‌های داستانی فارسی مربوط به گروه سنی «ج» از نظر سبک
۷. تعیین وضعیت کتاب‌های داستانی فارسی مربوط به گروه سنی «ج» از نظر لحن
۸. تعیین وضعیت کتاب‌های داستانی فارسی مربوط به گروه سنی «ج» از نظر تصویرپردازی



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

روش‌شناسی

با توجه به ماهیت موضوع، این پژوهش را می‌توان از نوع کاربردی دانست که به روش تحلیل محتوا و با رویکرد توصیفی صورت گرفته است. جامعه آماری پژوهش را کتاب‌های داستانی گروه سنی «ج» تشکیل دادند. مبنای انتخاب این گروه سنی استناد به آزمون بین‌المللی پرلز^۱ بود. آزمون پرلز سن ده‌سالگی یا پایه چهارم ابتدایی را پایه سواد خواندن نوآموزان در نظر گرفته

۱. آزمون پرلز (progress in international reading literacy study) نوعی آزمون بین‌المللی است که هر پنج سال یک‌بار از سوی انجمن بین‌المللی ارزیابی دستاوردهای آموزشی، به منظور سنجش گرایش‌های خواندن در کودکان و ارزیابی توانایی‌های آنان در درک غیرمستقیم و استنباط و تجزیه و تحلیل مطالب، در دو بخش متون ادبی و متون اطلاعاتی، در میان کودکان پایه چهارم ابتدایی، یعنی کودکان ده‌ساله، برگزار می‌شود (پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، ۱۳۸۶).

است. به‌زعم پرلز، سواد خواندن یکی از مهم‌ترین توانایی‌هایی است که دانش‌آموزان در طول یادگیری‌های خود در سال‌های اولیه دبستان کشف می‌کنند و در رشد هر کودک نقش حیاتی دارد. به‌این ترتیب، گروه سنی «ج» که به‌لحاظ تقسیم‌بندی‌های سنی در ایران پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی را پوشش می‌دهد، به‌عنوان گروه سنی هدف انتخاب شد. جامعه پژوهش را کلیه کتاب‌های داستانی تألیفی و ترجمه چاپ‌شده در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ تشکیل می‌دادند که بر اساس جستجو در کتاب‌شناسی ملی ایران معلوم شد در مجموع ۵۷۸۷ عنوان در این فاصله منتشر شده‌اند. برای تعیین حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری در پژوهش‌های تحلیل محتوا روش‌های گوناگونی پیشنهاد شده است. با این حال، اصل کلی در این راستا کمی یا کیفی بودن پژوهش است. در پژوهش‌های کمی، بهترین روش برای نمونه‌گیری استفاده از روش‌های احتمالی است. حجم نمونه نیز می‌تواند تابعی از تعداد کل جامعه و تعداد مقوله‌ها و واحدهای تحلیل باشد (کریپندورف^۱، ۱۳۹۷). از آنجا که مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه‌ای است که محتوای کتاب‌های کودکان را از دو بُعد ادبی و فرهنگی مورد بررسی قرار داده است (که البته در این مقاله تنها به بعد ادبی پرداخته شده) در مجموع ۲۸ واحد تحلیل در بُعد ادبی و ۱۵ واحد تحلیل در بُعد فرهنگی یعنی جمعاً ۴۳ واحد تحلیل مدنظر قرار گرفته است. به‌این ترتیب، برای تعیین حجم نمونه ابتدا تعداد کل جامعه بر تعداد واحدهای تحلیل تقسیم و عدد ۱۳۴ به دست آمد و سپس با استفاده از فرمول کوکران تعداد نمونه ۱۰۰ عنوان محاسبه و به روش نمونه‌گیری تصادفی نظام‌مند انتخاب شد. ابزار گردآوری اطلاعات سیاهه‌بازبینی محقق‌ساخته‌ای بود که بر اساس معیارهای ارزیابی عناصر داستان برگرفته از شورای کتاب کودک (گزارش شورای کتاب کودک، ۱۳۶۵) و نیز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (بکایی، ۱۳۹۳) تدوین و روایی‌صوری آن بر اساس نظر چند تن از متخصصان حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی و ادبیات کودکان تأیید شد. سیاهه تدوین شده به‌همراه سؤالات و اهداف پژوهش برای متخصصان مذکور ارسال و نظر آنها دریافت شد. برخی از موارد مندرج در سیاهه مستلزم انجام تغییرات پیشنهادی متخصصان تشخیص داده شد و پس از اعمال اصلاحات، نسخه نهایی به تأیید متخصصان رسید. گردآوری داده‌ها به روش میدانی انجام پذیرفت. در این راستا، برای دسترسی

1. Krippendorff

به کتاب‌های موردنظر، به‌صورت مستقیم به کتابخانه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شهر مشهد، تالار نوجوانان کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی و نیز مؤسسه «کتابخانه کوچک ما» مستقر در شهر مشهد مراجعه شد و محتوای کتاب‌ها بر اساس معیارهای مطروحه در سیاهه واریسی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی توزیع و درصد فراوانی تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌های پژوهش

در مجموع ۱۰۰ عنوان کتاب داستان فارسی به‌عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفت که به‌لحاظ پراکندگی ناشران ۱۶ ناشر مسئولیت انتشار آنها را بر عهده داشتند. اسامی این ناشران به ترتیب الفبا عبارت بودند از: افق، به نشر، پنجره، پیام آزادی، پیام مشرق، پیدایش، تولد، چکه، خانه ادبیات، ذکر، زعفران، سوره مهر، شهر قلم، قدیانی و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. جدول ۱ ویژگی‌های جامعه آماری پژوهش به تفکیک وضعیت تألیفی/ترجمه بودن آثار و نیز جنسیت مؤلفان را به نمایش گذاشته است.

جدول ۱. توزیع و درصد فراوانی کتاب‌های مورد بررسی به تفکیک تألیفی/ترجمه بودن آثار و نیز جنسیت مؤلفان

موضوع آماره	عناوین تألیفی	عناوین ترجمه‌شده	مؤلفان زن	مؤلفان مرد
توزیع فراوانی	۵۵	۴۵	۳۶	۶۴
درصد فراوانی	۵۵	۴۵	۳۶	۶۴
جمع	۱۰۰	۱۰۰		

همان‌طور که در جدول ۱ نشان داده شده است از میان آثار مورد بررسی، بیشترین عناوین را کتاب‌های داستانی تألیفی (۵۵ درصد) و نیز داستان‌هایی تشکیل داده است که توسط مؤلفان مرد (۶۴ درصد) به رشته تألیف درآمده‌اند.

یافته‌های مربوط به عناصر داستانی در آثار مورد بررسی

۱. شخصیت‌پردازی

شخصیت از عناصر بسیار مهم در ادبیات داستانی کودکان است. بهترین داستان‌های مناسب برای کودکان، داستان‌هایی است که دارای شخصیت‌های مأنوسی از حیوانات، گیاهان یا شخصیت‌های بشری مأنوس مانند پدر، مادر و کودکان خردسال باشند؛ زیرا دادن صفات حرکت، تکلم و رنگ به این شخصیت‌ها میل کودک را به کنجکاوی ارضا می‌کند (شعاری نژاد، ۱۳۷۸). در پاسخ به پرسش اول پژوهش مبنی بر چگونگی وضعیت کتاب‌های داستانی گروه سنی «ج» از نظر شخصیت‌پردازی، ابتدا نوع (انسان و غیر انسان) و سپس حالت (پویا و ایستا) شخصیت‌های اصلی داستان مورد بررسی قرار گرفت که نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. توزیع و درصد فراوانی داستان‌های مورد بررسی به لحاظ شخصیت

موضوع	نوع شخصیت		گونه شخصیت	
	انسان	غیر انسان	ایستا	پویا
توزیع فراوانی	۷۳	۲۷	۸۱	۱۹
درصد فراوانی	۷۳	۲۷	۸۱	۱۹
جمع	۱۰۰			۱۰۰

همان‌طور که از جدول ۲ برمی‌آید، بیشترین فراوانی به لحاظ نوع شخصیت‌ها مربوط به نوع انسان و به لحاظ گونه شخصیت‌ها مربوط به گونه ایستا است. شخصیت ایستا، شخصیتی در داستان است که تغییر نکند یا اندک تغییری را بپذیرد؛ به عبارت دیگر، در پایان داستان همان باشد که در آغاز بوده است و حوادث داستان بر او اثر نکند یا اگر تأثیر کند، میزان تأثیر کم باشد. حال آنکه شخصیت پویا شخصیتی است که یک ریز و مداوم در داستان دستخوش تغییر و تحول باشد و جنبه‌ای از شخصیت او، عقاید و جهان‌بینی او و یا خصلت و خصوصیت شخصیتی او دگرگون شود (میرصادقی، ۱۳۸۵). با توجه به ماهیت کوتاه بودن داستان‌های کودکان که فضا و مجال کمتری برای پرورش شخصیت‌ها و پرداختن به ویژگی‌های درونی و بیرونی آن‌ها دارند، غالب

بودن نوع شخصیت ایستا موجه به نظر می‌رسد. به بیان دیگر، استفاده از شخصیت‌های ایستا در داستان‌های کودکان متأثر از کم بودن فضای داستان کوتاه و محدودیت آن است که باعث می‌شود زمینه برای تغییر فراهم نشود و ایجاد تغییر دشوار باشد. با این حال، چنانچه از شخصیت‌های پویا در کنار شخصیت‌های ایستا در داستان‌ها استفاده شود از یک سو بر غنا و جذابیت آن‌ها افزوده می‌شود و از سویی دیگر کودکان و نوجوانان «با خواندن شرح حال شخصیت‌هایی که بر اثر رویدادها دچار تحول روحی و فکری می‌شوند، درمی‌یابند که انسان در مسیر زندگی با چه موانع و سختی‌ها و دقایقی برخورد خواهد کرد، از آن‌ها عبرت می‌گیرند، تجربه کسب می‌کنند و مسیر رشد و کمال خویش را بهتر پیدا می‌کنند» (فروزنده، ۱۳۸۸).

۲. طرح

داستان می‌تواند دنیایی خیالی را به منزله موضوع کاوش فکری خلق کند، زیرا داستان ساختاری هوشمندانه دارد که در عین این که ما را از بند اینجا و اکنون رها می‌کند، به بیان روال عادی وقایع می‌پردازد، وسیله‌ای برای درک جهان و خویشتن است و دغدغه‌های بشری را در خود جای می‌دهد. به بیان دیگر، آنچه در داستان ترسیم می‌شود کم‌وبیش شبیه آن چیزی است که هر انسانی می‌تواند در زندگی واقعی خود تجربه کند. اگر وقایع داستان خوب پی‌ریزی شده باشند، واکنش‌های عاطفی مخاطب را تنظیم می‌کنند و همین معنای عاطفی، طرح داستان را شکل می‌دهد (فیشر^۱، ۲۰۰۳، ۱۳۶).

در پاسخ به پرسش دوم پژوهش مبنی بر چگونگی وضعیت کتاب‌های داستانی گروه سنی «ج» از نظر طرح، به بررسی ویژگی‌های مورد نظر شامل نظم روایی، نوع، تضاد، فن و نقطه اوج داستان‌ها پرداخته شد که نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در جدول ۳ نمایش داده شده است. همان‌طور که در جدول ۳ نشان داده شده است، طرح اکثریت داستان‌های مورد بررسی (۹۳ درصد) به لحاظ نظم روایی به صورت خطی (به ترتیب تاریخی) است. به بیان دیگر، اکثر داستان‌ها بر اساس زمان گاهنامه‌ای روایت شده و رخدادها در امتداد زمان، یکی پس از دیگری، به وقوع پیوسته است. از آنجا که وضعیت ذهنی کودکان طوری نیست که بتوانند با حوصله و شکیبایی روایت‌های پیچیده را خوانده، مضمونشان را درک کنند، چنین روشی برای

1. Fisher

روایت داستان‌های کودکان مطلوب به نظر می‌رسد. با این حال، در ۷ درصد از داستان‌های مورد بررسی نویسندگان از انتهای داستان به بیان حوادث پرداخته و یا از میانه داستان به گذشته بازگشته‌اند. برخی معتقدند این شیوه روایت ذهن کودکان را به فعالیت بیشتر واداشته، بر جذابیت و گیرایی داستان می‌افزاید. با این حال، نکته اساسی‌ای که نباید فراموش شود این است که طرح داستان باید مبتنی بر سطح ذهنی و میزان درک و دریافت مخاطب باشد.

جدول ۳. توزیع و درصد فراوانی داستان‌های مورد بررسی به لحاظ طرح

موضوع	آماره	فراوانی	درصد فراوانی	جمع
نظم روایی	به صورت خطی (تاریخی)	۹۳	۹۳	۱۰۰
	بازگشت به گذشته	۷	۷	
نوع	پیش‌رونده	۶۷	۶۷	۱۰۰
	اپیزودیک	۳۳	۳۳	
تضاد	انسان در برابر انسان	۴۸	۴۸	۱۰۰
	انسان در برابر جامعه	۸	۸	
	انسان در برابر طبیعت	۱۸	۱۸	
	تضاد ندارد	۲۶	۲۶	
فن	تعلیق	۱	۱	۱۰۰
	پایان باز	۱۳	۱۳	
	از پیش معلوم	۶۱	۶۱	
	شورانگیز	۲۵	۲۵	
نقطه اوج	دارد	۲۰	۲۰	۱۰۰
	ندارد	۸۰	۸۰	

از دیگر یافته‌های مندرج در جدول ۳، غالب بودن نوع پیش‌رونده (۶۷ درصد) نسبت به نوع اپیزودیک در طرح داستان است. در داستان‌های پیش‌رونده، یک رخداد واحد در طول داستان روایت می‌شود، حال آنکه داستان‌های اپیزودیک متشکل از خرده‌پیرنگ‌ها یا خرده‌داستان‌ها و وقایع متعددی است که حول یک شخصیت، محل یا موضوع در داستان اتفاق می‌افتند. خطر استفاده از ساختار اپیزودیک این است که داستان در حین کامل شدن کمتر قانع‌کننده یا حتی

خسته‌کننده می‌شود، زیرا کودک غالباً ارتباط بین وقایع را نمی‌بیند و درک نمی‌کند (ارسولینی^۱، ۱۹۹۰). بدین ترتیب، استفاده غالب از نوع پیش‌رونده برای این گروه از مخاطبان توجیه لازم را دارد.

همچنین در جدول ۳ مشخص شده است که بیشترین فراوانی کتاب‌های مورد بررسی به لحاظ تضاد، مربوط به داستان‌هایی است که به بیان تضاد انسان در برابر انسان پرداخته‌اند ($F=48$). کشمکش عنصری ضروری در ادبیات داستانی است و به معنای چالشی است که قهرمان با آن روبه‌رو می‌شود. در این میان، عدم وجود تضاد در ۲۸ درصد از داستان‌های مورد بررسی نکته قابل تأملی است، زیرا هر داستانی متشکل از حرکت و ماجرا است و شرط لازم حرکت تضاد و کشمکش است، چون حرکت ناشی از تضاد پدیده‌هاست و اگر تضادی نباشد حرکت معنا نخواهد داشت و اتفاقی نمی‌افتد (بی‌نیاز، ۱۳۸۷). از این رو، توجه به این واقعیت که داستان‌های کودکان هم همانند داستان‌های مختص بزرگسالان باید از ساختاری جذاب به واسطه رخ دادن کشمکش‌ها و تضادها برخوردار باشند، باید از سوی نویسندگان این نوع داستان‌ها جدی گرفته شود.

در ادامه بررسی ویژگی‌های مربوط به عنصر طرح مندرج در جدول ۳، مشخص می‌شود که اغلب داستان‌های مورد بررسی (۶۱ درصد) دارای طرح ازپیش‌معلومی به لحاظ فن بوده‌اند. قالب‌های تعلیق و پایان باز مستلزم قوه استنباطی و استدلالی مخاطب است. تعلیق در داستان به معنای ایجاد سؤال است. این مسئله باعث می‌شود که یک نوع درگیری درونی به وجود آید و مخاطب را به واکنش وادارد. داستان‌های دارای پیرنگ پایان باز، این سرگشتگی و عدم قطعیت را به حداکثر می‌رساند. خواننده را در یک موقعیت فوق‌العاده حساس و درگیرکننده قرار می‌دهد و قبل از اینکه به جای خاصی برسد، او را در آن موقعیت رها می‌کند. در آن لحظه وی با موقعیتی سؤال‌برانگیز روبروست که آرامش او را برهم می‌زند (تودوروف^۲، ۱۳۸۵). بدیهی است قرار دادن کودکان در چنین موقعیت‌های پیچیده‌ای برای وضعیت شناختی و روان‌شناختی ایشان مناسب نیست و منطقاً طرح‌های از پیش معلوم آنان را در درک داستان بیشتر یاری می‌رساند.

1. Orsolini 2. Todorov

آخرین یافته‌های مندرج در جدول ۳ مربوط به وضعیت طرح داستان‌های مورد بررسی به لحاظ داشتن نقطه اوج است. ۸۰ درصد از داستان‌های مورد بررسی فاقد نقطه اوج بوده‌اند. نقطه اوج در واقع نقطه و لحظه‌ای است که کشاکش داستانی به بحرانی‌ترین درجه قوت خود می‌رسد و قهرمان داستان را در مرحله تصمیم‌گیری قرار می‌دهد و سپس فرود می‌آید و به طرف صراحت پیش می‌رود. هدف نویسنده باید این باشد که در این نقطه خواننده را به هیجان وادارد و احساسات او را برانگیزاند و اگر به این کار موفق شود، داستان او موفق از آب در خواهد آمد (مستور، ۱۳۸۵). با توجه به اهمیت موضوع، عدم وجود نقطه اوج در اکثر داستان‌های مورد بررسی در این پژوهش، نکته قابل تأملی است که نیازمند توجه بیشتر نویسندگان داستان‌های کودکان است.

۳. فضاسازی

فضاسازی شامل زمان و مکان جغرافیایی در یک روایت یا یک داستان می‌شود. به عنوان یکی از عناصر داستان، فضاسازی کمک می‌کند تا زمینه و حالت یک داستان را بیان کرد. بعضاً به فضاسازی به عنوان جهان یا محیط یک داستان اشاره شده است تا زمینه (به ویژه جامعه‌ای) فراتر از محیط اطراف شخصیت‌های داستان را شامل شود. عناصر فضاسازی شامل فرهنگ (نمادها)، زمان و مکان جغرافیایی است.

در پاسخ به سؤال سوم پژوهش مبنی بر وضعیت کتاب‌های داستانی مورد بررسی به لحاظ فضاسازی، یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. توزیع و درصد فراوانی داستان‌های مورد بررسی به لحاظ فضاسازی

عناصر آماره	مکان وقوع داستان			تشریح کامل مکان		زمان وقوع داستان		نمادگرایی	
	ایران	خارج از ایران	کشورهای اسلامی	دارد	ندارد	حال	گذشته	دارد	ندارد
فراوانی	۳۷	۴۵	۱۸	۵۷	۴۳	۴۹	۵۱	۲۴	۷۶
درصد فراوانی	۳۷	۴۵	۱۸	۵۷	۴۳	۴۹	۵۱	۲۴	۷۶
مجموع	۱۰۰			۱۰۰		۱۰۰		۱۰۰	

همان‌طور که در جدول ۴ نشان داده شد، مکان ۴۵ درصد از داستان‌های مورد بررسی خارج از ایران می‌باشد که تماماً مربوط به آثار ترجمه‌شده است و در ۳۷ درصد از عناوین، داستان در ایران و در ۱۸ درصد دیگر داستان در کشورهای اسلامی جریان دارد که همگی از آثار تألیفی هستند. همچنین، در بیش از نیمی از داستان‌ها (۵۷ درصد) نویسندگان به تشریح کامل مکان مربوط به اتفاقات داستان‌ها پرداخته‌اند. به لحاظ زمانی، تقریباً نیمی از داستان‌ها در زمان حال و نیمی دیگر در زمان گذشته رخ داده است. نکته قابل تأمل اما قابل پیش‌بینی، وضعیت مربوط به نمادها در داستان‌های مورد بررسی است. در این رابطه، نزدیک به سه‌چهارم داستان‌ها (۷۶ درصد) عاری از هرگونه نمادگرایی بوده‌اند. نشانه و نماد عناصر بی‌بدیل تأویل و تفسیر آثار ادبی و هنری‌اند که در پیوند ذهن هنرمند و ناخودآگاه او با واقعیت‌های جهان هستی شکل می‌گیرند. البته ضرورت کاربرد نماد زمانی بیشتر احساس می‌شود که با مخاطب کودک سروکار داشته باشیم و قصد ما انتقال مفاهیم به ذهن مبتدی کودکان باشد. نویسنده با استفاده از نمادهای آشنا و یا نمادسازی، مفاهیم فکری و انتزاعی و اجتماعی را برای کودک ملموس می‌کند و با استفاده از واژه‌ها، عناصر، رنگ‌ها، اشکال و تصاویر، خیال‌انگیزترین و مهیج‌ترین فضاها و صحنه‌ها را برای کودک و نوجوان ترسیم می‌کند (سارانی، ۱۳۹۲). با این حال، نکته حائز اهمیت در مورد نمادپردازی در ادبیات کودک و نوجوان این است که تاکنون با طیف گسترده‌ای از نمادها در ادبیات کودکان روبه‌رو نبوده‌ایم که دلیل این مسئله علاوه بر محدودیت بازه معنایی ذهن کودکان، عدم توان رمزگشایی و خوانش نمادها و اطلاعات محدود مخاطب در بسترهای اصلی نمادسازی است (زینالی، اسداللهی، سعدزاده انی علیا، ۱۳۹۴).

۴. درون‌مایه

درون‌مایه تفکری است که داستان را یکپارچه نگه می‌دارد. آنچه در درون‌مایه اهمیت دارد نگاه ویژه نویسنده به موضوع و شیوه ترسیم آن است. باید توجه داشت که درون‌مایه با موضوع تفاوت اساسی دارد و در واقع از موضوع به وجود می‌آید و مجموعه افکاری است که موضوع موردنظر نویسنده را در داستان تحکیم می‌بخشد و داستان را به وحدت هنری سوق می‌دهد (میرصادقی، ۱۳۷۷). در داستان‌های خوب، درون‌مایه به‌صراحت توسط نویسنده ابراز نمی‌شود و در سایر عناصر داستان نفوذ می‌کند و یک دید کلی به خواننده می‌دهد (قرزل‌ایاغ، ۱۳۸۳).

در پاسخ به پرسش چهارم پژوهش مبنی بر وضعیت داستان‌های مورد بررسی به لحاظ درون‌مایه، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵. توزیع و درصد فراوانی داستان‌های مورد بررسی به لحاظ درون‌مایه

عناصر آماره	آشکار	تلویحی	ندارد
فراوانی	۷۰	۱۷	۱۳
درصد فراوانی	۷۰	۱۷	۱۳
مجموع	۱۰۰		

همان‌طور که در جدول ۵ نشان داده شده است، درون‌مایه اکثر داستان‌های مورد بررسی (۷۰ درصد) به صورت آشکار بوده است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که درون‌مایه آشکار در ادبیات کودکان بسیار رایج است، زیرا نویسندگان می‌خواهند مطمئن شوند که خوانندگان نشان حقیقت واحد را دریافت می‌کنند (هیلمن^۱، ۱۹۹۵؛ تمپل و دیگران^۲، ۱۹۹۸). با این حال، نباید از خاطر برد که آنچه می‌تواند درون‌مایه آثار را ماندگاری بخشد، میزان دامن زدن به حس کنجکاوی کودکان است؛ آثاری که پس از خوانده شدن ذهن کودک را فعال کند و خلاقیت او را دامن بزند. توانایی و خلاقیت نویسنده در بسط دادن درون‌مایه به گونه‌ای است که کودک با آن ارتباط برقرار کند. اثری از نظر ساخت و پرداخت قابل قبول است که نویسنده با استعانت از راه‌های غیرمستقیم در انتقال مفاهیم و احساس‌ها به خواننده موفق شود، وگرنه استفاده از شیوه‌های مستقیم نشان از ضعف ساختاری آثار دارد (قرزل‌ایاغ، ۱۳۸۳).

۵. زاویه دید

زاویه دید نمایش‌دهنده شیوه‌ای است که نویسنده به کمک آن مصالح و مواد داستانی خود را به خواننده ارائه می‌کند و درواقع رابطه نویسنده را با داستان نشان می‌دهد. راوی یا اول‌شخص است یعنی خود از درون اثر ماجرا را بیان می‌کند، یا سوم‌شخص است یعنی دانای کلی است که بر همه اعمال، رفتار و ذهنیات شخصیت‌ها و رویدادهای داستان اشراف دارد و از موضعی

1. Hillman 2. Temple et al.

کاملاً برتر به روایت داستان می‌پردازد (فزل‌ایاغ، ۱۳۸۳). قصه‌های قدیم، زاویه دیدی یکنواخت داشتند و خود نویسندگان، آن را نقل‌گونه به همان شیوه سنتی روایت می‌کردند، ولی داستان‌نویسان امروز با بهره‌گیری از شیوه‌های متنوع روایت، چشم‌اندازهای عمیق‌تر و دقیق‌تری از زندگی و مناسبات انسانی به روی خوانندگان می‌کشایند. هوشمندی نویسنده در انتخاب زاویه دید مناسب، موجب ساخت‌مندی دقیق‌تر اثر می‌شود.

در پاسخ به پرسش پنجم پژوهش مبنی بر وضعیت کتاب‌های داستانی مورد بررسی به‌لحاظ زاویه دید، یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶. توزیع و درصد فراوانی داستان‌های مورد بررسی به‌لحاظ زاویه دید

آماره	زاویه دید	اول شخص	دانای کل نامحدود	دانای کل محدود	بی‌نظر	تک‌گویی نمایشی
۱	فراوانی	۱۳	۲۶	۵۶	۴	۱
۱	درصد فراوانی	۱۳	۲۶	۵۶	۴	۱
	مجموع	۱۰۰				

با توجه به یافته‌های مندرج در جدول ۶ مشخص است که اکثر نویسندگان (۵۶ درصد) از زاویه دید دانای کل محدود وقایع داستان را روایت کرده‌اند. در این شیوه، نویسنده در کنار یکی از شخصیت‌ها قرار می‌گیرد و افکار و اعمال او را رهبری می‌کند؛ یکی از منظر ذهن و نگاه او همه چیز و همه کس را توصیف می‌کند. نویسنده، هم در بیرون با اوست و هم به درون افکار او می‌خزد اما آگاهی او از نیات و افکار دیگران، محدود به چشم‌انداز همین شخصیت است. نویسنده در اینجا دیگر اختیارات وسیع دانای کل نامحدود را که به همه چیز واقف است، ندارد و آن شخصیت کلیدی، نقش نمایندگی او را در داستان به عهده دارد. شمار فراوانی از داستان‌ها از زبان سوم شخص (او) روایت می‌شوند. در این شیوه، همیشه یک «او» حضور دارد که ماجراهای داستان را روایت می‌کند. راوی سوم شخص می‌تواند همواره و در همه جا پا به پای آدم‌ها و رویدادهای داستان برود و حضور داشته باشد. این حضور همیشگی در کارزار داستان، از راوی (او)، شخصی آگاه به زمان و مکان و دانایی مؤثر و فعال ساخته و جلوه می‌دهد. این شیوه از آنجاکه تجلی تجارب فردی واحد است، یکدست‌تر و به طبیعت زندگی نزدیک‌تر است (میرصادقی، ۱۳۷۷).

۶. سبک

سبک راه و روشی است که نویسنده برای عینیت بخشیدن به فکر و اندیشه و تخیل خود بر می‌گزیند. سبک شامل طرز تنظیم و ترتیب عقاید، انتخاب واژگان، تصویر خیال، ساختار و تنوع جمله‌ها، ضرباهنگ، تکرار، انسجام، تأکید، وحدت و لحن است. نکته‌ای که باید توجه داشت این است که خواننده صرفاً برای آنچه نویسنده می‌گوید از داستان خوشش نمی‌آید، بلکه چگونگی گفتن آنها، یعنی سبک یا شیوه نگارش نویسنده برایش مطبوع و خوشایند است (میرصادقی، ۱۳۸۵، ص. ۳۵). سبک‌های گوناگون در خلق ادبی وجود دارد و گاه نویسندگانی صاحب سبک شناخته می‌شوند. برخی در نگارش به زبان گفتاری روی می‌آورند، پاره‌ای دیگر نثری فاخر و ادبی را برمی‌گزینند و عده‌ای نیز سبکی طنزآمیز دارند. آنچه اهمیت دارد این است که نویسنده از طریق سبکی که انتخاب کرده، بهتر بتواند با خواننده خود ارتباط برقرار کند (قرل‌یاغ، ۱۳۸۳).

در پاسخ به پرسش ششم پژوهش مبنی بر وضعیت کتاب‌های داستان مورد بررسی به‌لحاظ سبک، یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها را در قالب سه ویژگی نوع، عنصر و صداها در جدول ۷ نشان داده شده است.

جدول ۷. توزیع و درصد فراوانی داستان‌های مورد بررسی به‌لحاظ سبک

سبک	نوع			عنصر							صداها		
	شرح	گفتگو	شرح و گفتگو	دلالت ضمنی	تصویرسازی	تخیل	رسانا	نماد	تشبیه	استعاره	مبالغه	صداوازه	آهنگ
فراوانی	۲۶	۴	۷۰	۱۸	۵۴	۲	۲	۹	۶	۴	۵	۱	۸۸
درصد	۲۶	۴	۷۰	۱۸	۵۴	۲	۲	۹	۶	۴	۵	۱	۸۸
مجموع	۱۰۰			۱۰۰							۱۰۰		

با توجه به یافته‌های مندرج در جدول ۷ مشخص می‌شود که سبک غالب نویسندگان کتاب‌های مورد بررسی به‌لحاظ نوع ترکیبی از شرح و تفسیر و گفتگو (۷۰ درصد) است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که هیچ سبک «خوب» و «بدی» به‌خودی‌خود وجود ندارد و همه چیز بسته

به بافت و ساختار داستان است. از این نظر در سبک خوب، بافتی به کار رفته که منظور نویسنده را بهتر به خواننده منتقل می‌کند و حاکی از ذهن باز نویسنده به طیف وسیع تجربه است و سبک بد، نوشته و اثری است که مخل فهم و درک خواننده می‌شود گرچه ذاتاً آراسته و زیبا باشد (براهنی، ۱۳۶۸). در همین راستا، هنگام نوشتن داستان برای کودکان باید سطح درک و دریافت آن‌ها را مدنظر قرار داد. در کنار توصیف و شرح بافت و زمینه رخدادها، باید بخشی از روند داستان را به شخصیت‌ها و محاوره بین آن‌ها سپرد. نویسنده باهوش به جای آنکه خود به توصیف شخصیت‌ها پردازد، او را به دست دیگر شخصیت‌های داستان می‌سپارد تا آن‌ها در گفت‌وگوهای خود، دست به پردازش شخصیت موردنظر بزنند.

از دیگر یافته‌های مندرج در جدول ۷، استفاده غالب از تصویرسازی (۵۴ درصد) در داستان‌های مورد بررسی است. بسیاری معتقدند که چیزی به نام واقعیت یا حقیقت وجود ندارد و ذهن نویسنده این قبیل مفاهیم را به صورت انعکاسی در برخورد با عالم محسوس انتزاع می‌کند و از این انتزاع ذهنی مفاهیم را می‌سازد. آنگاه به کمک الفاظ تصاویر ذهنی را می‌آفریند. او برای ایجاد تصاویر ذهنی به صورت‌های عینی رجوع می‌کند و با دخل و تصرف در صورعینی، با قوه خیال و به مدد استعارات و تمثیل‌ها و کنایه‌ها و نمادها و تشبیهات، صورت‌های ذهنی خود را تحقق می‌بخشد (نوروزی‌طلب، ۱۳۷۶). باین حال، کتاب سنین پایین بیش از همه نیاز به تصویرسازی مفهومی دارد، به طوری که کودک بتواند با آن ارتباط برقرار کرده و حتی قهرمان داستان را در ذهن خود ثبت کند. کودکان در صورت به کارگیری مناسب عنصر تصویرسازی در داستان‌های مختص آن‌ها به راحتی با شخصیت‌های داستان همزادپنداری می‌کنند. از این رو، غالب نویسندگان کتاب‌های این گروه سنی از عنصر تصویرسازی بیش از سایر عناصر بهره می‌برند. همچنین در تبیین این یافته می‌توان این واقعیت را اضافه کرد که عناصری همچون استعاره، تمثیل، جناس و نظایر آن که در متون ادبی بزرگ سالان کاربرد فراوان دارد، در مورد کتاب‌های داستان کودکان با توجه به سطح ادراک و توانایی‌های ذهنی آن‌ها کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند.

همچنین یافته‌های مربوط به صداها مندرج در جدول ۷ حاکی از آن است که نویسندگان کتاب‌های مورد بررسی، بیشترین استفاده را از آهنگین بودن برده‌اند (۸۸ درصد). در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت آثار ادبی در سنین کودکی بیشتر بر مبنای الگوهای آوایی بنا می‌شوند. صورت‌گراترین آثار ادبی مربوط به کودکان است و بار معنایی در آن‌ها کمترین سهم را دارد.

بنابراین توصیه می‌شود داستان یا قصه آهنگین باشد یا جنبه موسیقایی قوی داشته باشد (آفاگل زاده، ۱۳۸۲).

۷. لحن

لحن آهنگ نویسنده است و می‌تواند صورت‌های گوناگون به خود بگیرد و خنده‌دار، گریه‌آور، جدی یا طنزآمیز باشد. لحن شیوه پرداخت نویسنده نسبت به موضوع داستانش است. لحن در داستان همانند صدای گوینده‌ای است که نماینده حالات گوناگون در بیان است. کلمات و جملاتی که نویسنده انتخاب می‌کند به همان اندازه که بیانگر جنبه‌های تصویری و استدلالی هستند ممکن است بازگوکننده حسی یا حالتی یا حال و هوایی خاص باشد که بر اساس آن باید قطعه یا جمله‌ای خوانده شود یعنی حالت خشم، التماس، تکبر، ملال و دیگر جنبه‌های رفتاری. بنابراین، لحن با عوامل متعددی از جمله کم‌گویی، طنز، طعنه، اغراق و احساساتی‌گری ارتباط تنگاتنگ دارد (میرصادقی، ۱۳۷۷). لحن در داستان می‌تواند یکی از حالات جدی، فکاهی، تعلیمی، احساسی و یا شورانگیز به خود بگیرد.

در پاسخ به پرسش هفتم پژوهش مبنی بر وضعیت کتاب‌های داستان مورد بررسی به‌لحاظ لحن، یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در جدول ۸ نشان داده شده است.

جدول ۸. توزیع و درصد فراوانی داستان‌های مورد بررسی به‌لحاظ لحن

لحن آماره	جدی	فکاهی	تعلیمی	احساسی	شورانگیز
فراوانی	۴۲	۵	۳۵	۹	۹
درصد فراوانی	۴۲	۵	۳۵	۹	۹
مجموع	۱۰۰				

با توجه به یافته‌های مندرج در جدول ۸ مشخص است که لحن بیشتر داستان‌ها جدی (۴۲ درصد) و تعلیمی (۳۵ درصد) است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که زبان کودک زبان ساده و معیار است که دایره لغات آن با توجه به وضعیت موجود کودکان شکل می‌گیرد و ساختارش را دستور رسمی و مدرسه‌ای زبان فارسی شکل می‌دهد. بر این اساس، فرارفتن از زبان رسمی به همان اندازه محل ایراد است که غلتیدن به زبان عامیانه و محاوره‌ای.

۸. تصاویر

کودکان برای کاوش در محیط اطراف و فهم دنیا، از شکل ظاهری اشیاء یا بازنمایی بصری آن‌ها بهره می‌گیرند. تهیه انواع کتاب‌های مصور، برای لذت بردن کودکان خردسال، از بهترین راه‌های بالا بردن شعور بصری آنان جدا از دنیای پیرامون و تصاویر لرزان و ناپایدار صفحه تلویزیون است. از ویژگی کتاب‌های مصور آن است که دیدی چندگانه از دنیا برای کودک پدید می‌آورد و کودک را آزاد می‌گذارد تا از میان آن‌ها هر کدام را که خواست، انتخاب کند و در آخر این فرصت به او داده می‌شود که تصویر موردنظر را تا زمانی که بتواند درک کند یا از دیدن آن لذت ببرد و یا در موردش فکر کند، پیش خود نگه دارد (صادقی، ۱۳۸۵). از این رو، عنصر تصویر در کتاب‌های داستان کودکان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در پاسخ به پرسش هشتم پژوهش مبنی بر وضعیت کتاب‌های مورد بررسی به لحاظ تصاویر، یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در جدول ۹ نشان داده شده است.

جدول ۹. توزیع و درصد فراوانی داستان‌های مورد بررسی به لحاظ تصاویر

آماره	تصاویر	مصور (نقاشی)	عکسی	بدون تصویر
فراوانی	۷۰	۲۳	۷	
درصد فراوانی	۷۰	۲۳	۷	
مجموع	۱۰۰			

همان‌طور که در جدول ۹ دیده می‌شود، در اکثر کتاب‌های مورد بررسی (۷۰ درصد) از نقاشی و در ۲۳ درصد نیز عکس برای مصورسازی استفاده شده است و تنها هفت عنوان از کتاب‌ها فاقد هرگونه تصویری بودند. در تبیین این یافته که چندان هم دور از انتظار نبود می‌توان گفت که نویسندگان کتاب کودک با علم به اینکه کودکان با مشاهده تصویر، بهترین مسیر را برای فهم آنچه می‌آموزند پیدا می‌کنند، از این ابزار برای انتقال مؤثر مفاهیم بهره می‌جویند. از آنجا که شخصیت، زیبایی و زندگی در تصاویر کتاب‌های کودکان در واقع گوشه‌ای از شخصیت، زیبایی و زندگی واقعی کودکان است، نمی‌توان تأثیر تصاویر را نادیده گرفت (کوثر احمدی، ۱۳۷۳).

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین وضعیت عناصر داستان در کتاب‌های کودکان گروه سنی «ج» انجام گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که بیشتر شخصیت‌های داستانی انسان هستند. در این زمینه، تقیان (۱۳۸۸) با بررسی و تحلیل عنصر شخصیت در پرخواننده‌ترین آثار ادبیات داستانی کودک نشان داد که در ۳۷۰ داستان مورد بررسی، شخصیت انسان، شخصیت غالب داستان‌ها بوده است. همچنین یافته‌های آل-سودری (۲۰۰۰) مشخص کرد که استفاده از شخصیت انسان در مقایسه با شخصیت‌های غیرانسانی در کتاب‌های داستانی عربستان نیز دارای فراوانی بیشتری است. در پژوهش حاضر، از محدود داستان‌هایی که شخصیت اصلی داستان غیرانسان بود می‌توان به کتاب هُدُود سلیمان (ع) اشاره کرد. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که بیشتر شخصیت‌ها به‌لحاظ گونه نیز اغلب ایستا بودند یا درواقع در پایان داستان همانی هستند که در ابتدا بودند یا اندکی دچار تغییر شده‌اند. حسین‌زاده صلاتی (۱۳۸۸)، تقیان (۱۳۸۸) و آل-سودری (۲۰۰۰) نیز در پژوهش خود به نتیجه مشابه رسیده بودند. شاهکارهای ادبی اغلب دارای شخصیت‌های پویا هستند و برای کودکان نیز این گونه شخصیت‌پردازی در داستان مفیدتر است، زیرا آن‌ها با خواندن شرح حال شخصیتی که بر اثر رویدادی دچار تحول روحی و فکری می‌شود، درمی‌یابند که انسان در مسیر زندگی می‌تواند از رویدادها و وقایع درس بگیرد، تجربه بیندوزد و پیوسته در مسیر رشد و کمال حرکت کند و این می‌تواند الگویی مفید برای آن‌ها باشد (فروزنده، ۱۳۸۸). بااین حال، در داستان‌های کودکان با توجه به کوتاه بودن آن‌ها نمی‌توان انتظار تحول شخصیت‌ها را داشت. در داستان کوتاه مجالی برای این امر نیست. بنابراین «اغلب داستان‌های کوتاه ممکن است دارای شخصیت‌های ایستایی باشند» (میرصادقی، ۱۳۸۵، ص. ۹۵).

در زمینه طرح داستان، مشاهده شد که بیشتر داستان‌ها به‌لحاظ نظم روایی، به ترتیب تاریخی بیان شده‌اند و به‌لحاظ نوع نیز از نوع پیش‌رونده هستند. از سویی دیگر، به‌لحاظ وجود تضاد در داستان، در بیشتر داستان‌ها انسان در برابر انسان قرار گرفته است. در این راستا، نورتون^۱ (۱۳۸۲)، کشمکش در داستان‌های کودکان را در چهار مقوله فرد علیه فرد، فرد علیه جامعه، فرد علیه طبیعت و فرد علیه خود، مورد بررسی قرار داده و نشان می‌دهد در داستان‌های کودکان به کشمکش جسمانی توجه بیشتری می‌شود که با نتایج به‌دست آمده در این پژوهش نیز همخوانی دارد.

1. Donna Norton

یافته‌های پژوهش دربارهٔ فضا سازی در داستان‌های مورد بررسی نشان داد که در بیش از نیمی از داستان‌ها، مکان به صورت کاملی تشریح شده بود و به این ترتیب کودک با خواندن داستان می‌تواند تشخیص دهد داستان در چه مکانی در جریان است. لیکن از منظر نمادگرایی در داستان بیشترین فراوانی مربوط به داستان‌هایی بود که فاقد هرگونه نمادگرایی بودند. این نتایج با یافته‌های پژوهش ال-سودری (۲۰۰۰)، که دریافت در کتاب‌های گروه سنی «ج» در عربستان از نمادگرایی به ندرت استفاده شده بود، همسوست. از معدود داستان‌های مورد بررسی در این پژوهش که از نمادها استفاده شده بود می‌توان به داستان رستم از مجموعه قصه‌های شاهنامه اشاره کرد که از نمادگرایی در راستای مفهوم آزادی‌خواهی استفاده شده بود. با این حال، در ادبیات کودک و نوجوان برای به تصویر کشیدن مفاهیم، استفادهٔ بجا از نماد و نقش مایه‌های شناخته‌شدهٔ دنیای کودکان، برای ایجاد ارتباط معنایی بین واژه و واقعیت در محور ساختاری قصه‌ها می‌تواند مفید باشد.

یافته‌های پژوهش دربارهٔ درون‌مایهٔ داستان‌های مورد بررسی نشان داد که درون‌مایهٔ بیشتر داستان‌ها از نوع آشکار است هرچند که در برخی آثار نیز نوع تلویحی نیز به چشم می‌خورد. این یافته‌ها با نتایج فروزنده (۱۳۸۸)، که دریافت درون‌مایهٔ اغلب داستان‌های مورد بررسی از نوع آشکار بوده است، همخوانی دارد. از معدود نمونه‌های دارای درون‌مایهٔ تلویحی می‌توان به کتاب قصه‌های تصویری از گلستان اشاره کرد که در آن نویسنده سعی می‌کند به صورت تلویحی مفاهیمی چون جوانمردی، درستکاری و یا دوستی را به کودک انتقال دهد. در مقابل اما در بسیاری دیگر از داستان‌ها مانند قصهٔ امام جعفر صادق (ع) خط اصلی داستان کاملاً مشخص است و کودک در هنگام مطالعه به راحتی می‌تواند حادثه‌ها و یا اتفاقاتی را که نویسنده بیان می‌کند درک کند.

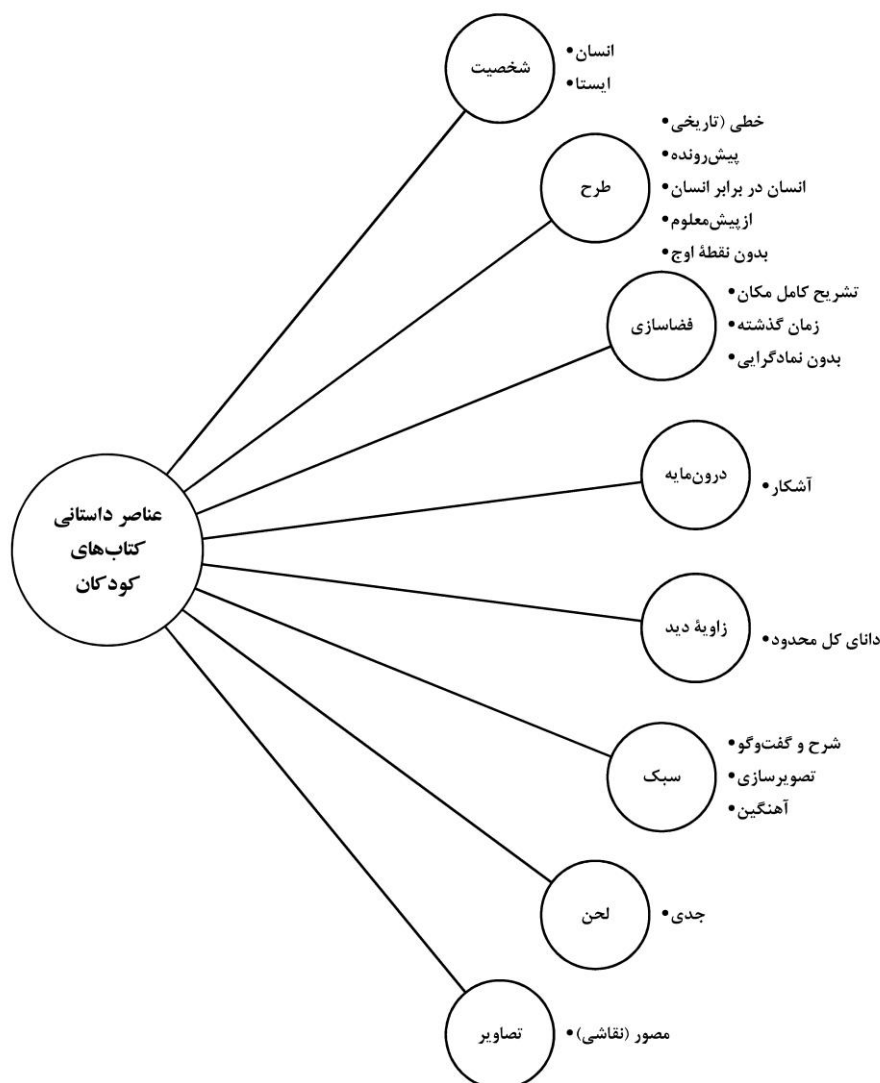
در پژوهش حاضر، مشاهده شد که بیشتر داستان‌ها از زاویهٔ دید دانای کل محدود روایت شده بود. در این نوع زاویهٔ دید، راوی داستان به شخصیت‌های داستان از خارج نگاه می‌کند و به همراه شخصیت داستان حرکت می‌کند و در ماجراها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم دخیل است. برای نمونه، می‌توان به داستان آرش (حکایت تیرانداختن مرد قصه‌گو) اشاره کرد که داستان بدین شیوه روایت می‌شود و راوی سعی می‌کند تا خصوصیات شخصیت اصلی داستان را در طول داستان بیان کند و در حوادث داستان به‌طور غیرمستقیم همراه باشد. در مقابل،

می‌توان به زاویه دید دانای کل اشاره کرد که از نزدیک بر اعمال و افکار تمام شخصیت‌های داستان آگاهی دارد. در این زمینه می‌توان به کتاب قصه‌هایی از عاشورا اشاره کرد که راوی کاملاً از تمام وقایع اطلاع دارد و تمام حوادث داستان را شرح می‌دهد. این یافته‌ها با نتایج نیکولایوا^۱ (۱۳۸۷)، که دریافت شیوه دانای کل محدود با ۵۵ درصد بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده بود، همسوست. به‌طور کلی، در ادبیات کودکان نویسنده نه یکی از شخصیت‌ها بلکه راوی داستان است که احساسات و افکار شخصیت(های) اصلی داستان را بیان می‌کند و به‌نوعی درون و همراه با شخصیت‌هاست (هاک و دیگران^۲، ۱۹۹۷).

از دیگر یافته‌های پژوهش، سبک داستان‌های مورد بررسی به‌لحاظ نوع، عنصر و صدا بود که نشان داد بیشترین فراوانی مربوط به داستان‌ها از نوع هم شرح و هم گفت‌وگو، دارای عنصر تصویرسازی و آهنگین بود. این یافته‌ها که با نتایج پژوهش ال-سوداری (۲۰۰۰) و کو (۲۰۰۵) همسوست مبین آن است که نویسندگان کتاب‌های کودکان از این حقیقت آگاه هستند که بیشتر از آرایه‌های ادبی، روانی و سادگی بیان در داستان است که در کنار تجسم و تصویرسازی می‌تواند در القای مفاهیم مدنظر آنها به مخاطبان اثربخش باشد (راسل^۳، ۱۹۹۷). از نمونه‌هایی در این زمینه می‌توان به داستان بهرام و گردیه اشاره کرد که به‌لحاظ نوع سبک از نوع هم شرح و هم گفت‌وگو می‌باشد و به‌لحاظ عنصر از نوع تصویرسازی و تجسم و به‌لحاظ صدا نیز از نوع آهنگین است. در داستان، قصه پاییز و نهال هلو نیز نوع سبک هم شرح و هم گفت‌وگو است و عنصر آن به‌صورت تصویرسازی و تجسم بوده و از اصوات موزون برای سبک نگارش استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش در زمینه لحن داستان‌های مورد بررسی نشان داد که داستان‌هایی با لحن جدی و تعلیمی بیشترین سهم را در این میان از آن خود داشتند. یافته‌های حاضر از این حیث با نتایج پژوهش فروزنده (۱۳۸۸) همسوست. از میان داستان‌های مورد بررسی به‌لحاظ لحن می‌توان به داستان «تمساح غول پیکر» اشاره کرد که داستان با لحنی جدی بیان شده است. از سویی دیگر، در کتاب «ده قصه تصویری از جوامع الحکایات» لحن به‌کارگرفته‌شده از نوع تعلیمی است. علاوه‌براین، در داستان «هوشنگ شاه» داستان به‌صورت شورانگیز بیان شده است و در داستان «ما مسلمانان این آب و خاکیم» لحن داستان کاملاً احساسی است و در داستان قوی‌ترین جادوگر داستان به زبان طنز (لحن فکاهی) بیان شده است.

1. Nikolayeva 2. Huck et al. 3. Russell



شکل ۲. بیشترین عناصر داستانی مورد استفاده در کتاب‌های کودکان

آخرین یافته‌های پژوهش حاضر مربوط به تصاویر کتاب‌های مورد بررسی حاکی از آن بود که قریب به اتفاق آن‌ها دارای تصویر در قالب نقاشی و عکس بودند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های ال-سودری (۲۰۰۰)، کو (۲۰۰۵)، فروزنده (۱۳۸۸) و صفاری (۱۳۹۳) همسو بود.

در باب اهمیت تصویر در کتاب‌های کودکان بین صاحب‌نظران این حوزه اختلاف است. پژوهشگرانی همچون مک‌کان^۱ معتقدند که تصاویر در کتاب‌های کودکان هدف ابتدایی زیبایی‌شناختی دارند و نباید به تأثیر آن‌ها در روایت‌پردازی توجه کرد؛ در مقابل، نودلمن^۲ بر لزوم تصویر در کتاب‌های کودکان بسیار تأکید دارد و معتقد است آن‌ها کارکرد روایی دارند و اطلاعات دیداری را به شیوه‌ای متفاوت از آنچه ما از هنر دیداری انتظار داریم ارائه می‌کنند. او اصلی‌ترین وظیفه تصویر در کتاب‌های کودکان را انتقال اطلاعات به مخاطب می‌داند (قایینی، ۱۳۹۰، ص. ۳۲۳). با این حال، به نظر می‌رسد طرف‌داران ضرورت تصویر در کتاب‌های کودکان بیش از مخالفان آن باشند و عمده استدلال آن‌ها نیز این است که تصاویر می‌توانند باعث ایجاد الگوهای ذهنی در کودک شوند و به لحاظ یادگیری نیز مشاهده مؤثرترین و پایدارترین روش در این زمینه است.

بدین ترتیب، می‌توان پاسخ به سؤال اصلی پژوهش مبنی بر بیشترین عناصر داستانی مورد استفاده نویسندگان کتاب‌های کودکان را در قالب شکل ۲ نشان داد.

در ادامه پیشنهادهای مستخرج از یافته‌های این پژوهش ارائه می‌شود.

نظر به اینکه یافته‌های پژوهش در باب عنصر شخصیت نشان از آن داشت که بیشترین فراوانی شخصیت‌ها در داستان‌های مورد بررسی از نوع ایستا است، پیشنهاد می‌شود پرداختن بیشتر به شخصیت‌های پویا در داستان‌های مختص کودکان در دستور کار نویسندگان قرار گیرد، زیرا برای مخاطب خردسال، معمولاً شخصیت‌هایی که پویا هستند و تحرک و کنش بیشتری دارند، جذاب‌تر و پذیرفتنی‌ترند. با این حال، باید به خاطر داشت که شخصیت‌ها به گونه‌ای پرداخته شوند که کودکان بتوانند با آن‌ها ارتباط عاطفی برقرار کنند و تغییرات در شخصیت‌ها با پیشرفت ماجرای داستان صورت پذیرد. در باب عنصر طرح در داستان‌های مورد بررسی، یافته‌ها نشان داد که بیشترین توزیع فراوانی از آن داستان‌هایی است که فاقد نقطه اوج هستند. با توجه به اینکه نقطه اوج در داستان بزنگاهی است که موجب دگرگونی زندگی شخصیت یا شخصیت‌های داستان می‌شود، از سویی دیگر یافته‌های پژوهش نشان از آن داشت که عمده شخصیت‌های مورد بررسی از نوع ایستا و بدون تغییر در طول داستان هستند، این نبود نقطه اوج در داستان‌های مورد بررسی پدیده‌ای دور از ذهن نیست. لیکن از آنجا که نقطه اوج عالی‌ترین

1. MacCann

2. Nodelman

نقطه داستان است و همان جایی است که خواننده به خاطرش داستان را ادامه می‌دهد، پیشنهاد می‌شود نویسندگان در طرح داستان‌های خود برای کودکان از ظرفیت عنصر نقطه اوج برای جذاب‌تر کردن داستان بهره جویند که البته این امر در گرو خلق شخصیت‌های پویا و سیر منطقی حوادث در داستان‌های خود است.

یافته‌های پژوهش حاکی از استفاده بسیار کم نویسندگان از لحن فکاهی و طنز در داستان‌های مورد بررسی بود. از آنجاکه به دلیل شرایط سنی کودکان و نوجوانان، وجود تنوع، جاذبه و فضای مفرح و پرکشش از الزامات آثار مختص این گروه از مخاطبان است، عنصر طنز و فکاهی می‌تواند سازوکارهای مورد اشاره را پدید آورد. از این رو، پیشنهاد می‌شود نویسندگان آثار کودکان به خلق آثاری با لحن طنز شامل طنز گفتاری، طنز موقعیت، بذله‌گویی، لطیفه‌پردازی و معطوف دارند.

تشکر و قدردانی

نگارندگان مراتب سپاسگزاری خود را از مسئولین و کتابداران کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شهر مشهد، کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی و مؤسسه «کتابخانه کوچک ما» بابت همکاری‌های خود در انجام این پژوهش ابراز می‌دارند.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۷۹). ویژگی‌های متون ادبی از دیدگاه زبان‌شناسی. مجموعه مقاله‌های پنجمین کنفرانس زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- آقازاده، سمیه (۱۳۸۹). تحلیل محتوای کتاب‌های داستان گروه سنی الف (سنین پیش از دبستان) انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از نظر مفاهیم شهروندی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- امین‌دهقان، نسرین؛ پریرخ، مهری (۱۳۸۲). تحلیل محتوای کتاب‌های داستانی مناسب در گروه سنی «ب» با رویکرد کتاب درمانی. کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۶(۴)، ۷۴-۵۱.
- بکایی، حسین (۱۳۹۳). عناصر داستان در داستان کودک و نوجوان. تهران. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- بتلهایم، برونو (۱۳۸۹). کاربردهای افسون. ترجمه کاظم شیوارضوی. تهران: دستان.
- براهنی، رضا (۱۳۶۸). قصه‌نویسی. تهران: البرز.

- بی‌نیاز، فتح الله (۱۳۸۷). درآمدی بر داستان نویسی و روایت شناسی. تهران: افزار.
- پربرخ، مهری و امجدی، زهرا (۱۳۸۶). داستان همچون ابزاری برای کمک به کودکان و نوجوانان در مقابله با مشکلات: بررسی داستان‌های کودکان با رویکرد کتاب درمانی. *پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان*، ۱۲، ۴۹-۶۸.
- تقیان، رقیه (۱۳۸۸). بررسی و تحلیل عنصر شخصیت در پرخواننده‌ترین آثار ادبیات داستانی کودکان (پس از انقلاب) (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- تودوروف، تزوتان (۱۳۸۵). *نظریه ادبیات: متن‌هایی از فرمالیست‌های روس* (عاطفه طاهایی، مترجم). تهران: اختران.
- ثقفیان‌خو، آمنه (۱۳۹۲). بررسی ساختاری و محتوایی داستانهای عاشورایی کودک و نوجوان در دهه ۷۰-۹۰ گروه سنی ب و ج (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شیراز، شیراز.
- جعفری، نرگس (۱۳۹۵). گونه‌شناسی نمادها در ادبیات کودک و نوجوان دهه‌ی هشتاد (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار.
- حسین‌زاده صلاتی، اعظم (۱۳۸۸). بررسی و تحلیل عناصر داستان در آثار منشور مصطفی رحماندوست. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد) دانشگاه شهر کرد، شهر کرد.
- زینالی، الهام؛ اسداللهی، خدابخش؛ و سعدزاده آنی‌علیا، محرم (۱۳۹۴). *تحلیل نماد و نمادپردازی در ادبیات داستانی کودک دفاع مقدس*. مقاله ارائه شده در همایش بین‌المللی جستارهای ادبی، زبان و ارتباطات فرهنگی، اردبیل.
- سارانی، فریبا (۱۳۹۲). *تحلیل نماد در اشعار شکوه قاسم‌نیا و بیوک ملکی* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه بیرجند، بیرجند.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۷۸). *ادبیات کودکان*. تهران: اطلاعات.
- صادقی، فرهاد (۱۳۸۵). داستان مصور یا قصه‌های دوزبانه: یادداشت‌هایی در خصوص مصورسازی کتاب کودکان. *کتاب ماه کودک و نوجوان*، (۱۰۱)، ۲۰۳-۲۰۶.
- صفاری، سمیرا (۱۳۹۳). بررسی ساختارهای تصویرگری کتاب کودک و نوجوان. *نشریه چیدمان*، ۷، ۷۶-۸۴.
- فروزنده، مسعود (۱۳۸۸). نقد و تحلیل عناصر داستان در گزیده‌ای از داستان‌های کودکان. *ادب پژوهی*، ۹، ۱۵۱-۱۷۱.
- قاینی، زهره (۱۳۹۰). *تصویرگری کتابهای کودکان: تاریخ، تعریف‌ها و گونه‌ها*. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان.
- قزل‌ایاغ، ثریا (۱۳۸۳). *ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن: مواد و خدمات کتابخانه برای کودکان و نوجوانان*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

- کوثر احمدی، علی (۱۳۷۳). بررسی تصویرسازی در کتابهای کودکان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- محمدی، مهدی (۱۳۹۱). بررسی داستان‌های دینی کودکان و نوجوانان منتشر شده بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ از نظر کیفیت محتوا، ساخت و پرداخت و کیفیت زبان و بیان. *مجله مطالعات ادبیات کودک*، ۱۳(۱)، ۱۰۹-۱۳۴.
- محمدی، مهدی (۱۳۹۲). تحقیقات تحلیل محتوا در ادبیات کودکان و نوجوانان ایران از سال ۱۳۵۳-۱۳۹۰. *تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*، ۱۹(۱)، ۱۱۱-۱۳۳.
- محمدی، مهدی؛ عرب‌شیبانی، زکيه؛ فلسفین، سکینه؛ و خویدکی، سمانه (۱۳۹۶). بررسی ویژگی محتوایی و شخصیت‌پردازی رمان‌های پر فروش نوجوان منتشر شده بین سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۸۰. *تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*، ۲۴(۱)، ۱۴۷-۱۲۵.
- مستور، مصطفی (۱۳۸۰). مبانی داستان کوتاه. تهران: نشر مرکز.
- مکتبی‌فرد، لیلا (۱۳۸۹). بررسی تناسب محتوای داستان‌های تألیفی ایرانی برای کودکان و نوجوانان گروه سنی «ج» با مهارت‌ها و مؤلفه‌های تفکر انتقادی (پایان‌نامه دکتری). دانشگاه شهید چمران، اهواز.
- میرافکنی زابلی، فهیمه (۱۳۹۴). بررسی محتوای ادبیات داستانی کودک دهه ۶۰ (گروه‌های سنی الف تا ج) (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه بین‌المللی امام رضا(ع)، مشهد.
- میرصادقی، جمال (۱۳۷۷). *واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی*. تهران: کتاب مهناز.
- میرصادقی، جمال (۱۳۸۵). *عناصر داستان*. تهران: سخن.
- نجفی بهزادی، سجاد (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی درون‌مایه داستان‌های نویسندگان برجسته کودک ایران و جهان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شهرکرد، شهرکرد.
- نعمت‌اللهی، فرامرز (۱۳۸۵). ادبیات کودک و نوجوان: شناسایی، ارزشیابی، ارزشگذاری کتابهای درسی. تهران: مدرسه.
- نورتون، دونا (۱۳۸۲). شناخت ادبیات کودکان: گونه‌ها و کاربردها از روزن چشم کودک (منصوبه راعی و دیگران، مترجمان). تهران: قلمرو.
- نوروزی‌طلب، علیرضا (۱۳۷۶). داستان تصویر، تصویر داستان. ادبیات داستانی، ۴۵، ۱۳-۱۹.
- نیکولایو، مریا (۱۳۸۷). *فراسوی دستور داستان*. دیگرخوانی‌های ناگزیر (مرتضی خسرونژاد، مترجم). تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- هانت، پیتر (۱۳۸۶). *درک ادبیات کودکان جهان* (محمود نورمحمدی، مترجم). تهران: سایه گستر. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۸)
- یونسی، ابراهیم (۱۳۸۸). *هنر داستان‌نویسی*. تهران: نگاه.

References

- Aghagolzadeh, F. (2001). The Characteristics of literary texts from linguistic point of view. . Paper presented at The Fifth Linguistics Conference March, 12-14, 2001. Allameh Tabatabaie University. (in Persian)
- Aghazadeh, S. (2010). Content analysis of storybooks for age group A (preschool age group) published by the Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults in terms of Citizenship Concepts (Master's thesis). Allameh Tabatabaie University, Tehran. (in Persian)
- Amindehghan, N., & Parirokh, M. (2003). Content analysis of storybooks appropriate for the age group of B using a bibliotherapeutic approach. *Library and information science*, 6(4), 51-74. (in Persian)
- Bakaei, H. (2014). *Story components in storybooks for children and adolescents*. Tehran: Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults. (in Persian)
- Barahani, R. (1989). *Story writing*. Tehran: Alborz. (in Persian)
- Bettelheim, Bruno (2010). *The uses of enchantment: The meaning and importance of fairy tales*. (K. Shiva Razavi, Trans.) Tehran: Dastan. (in Persian)
- Biniaz, F. (2008). *An introduction to writing fiction and narratology*. Tehran: Afraz. (in Persian)
- Fisher, R. (2003). *Teaching Thinking: Philosophical Enquiry in the Classroom*. London: Continuum.
- Foruzandeh, M. (2009). Criticizing and Analyzing the Narrative Elements in a Selection of Children's Stories. *Adab Pazhuhi*, 3(1), 151-171. (in Persian)
- Ghaeini, Z. (2011). *Illustrations of children's books: History, definitions, and types*. Tehran: Cultural, Art and research Institute of Children's Literature History. (in Persian)
- Ghezel Ayagh, S. (2004). *Children and adolescent literature and reading promotion (library materials and services for children and adolescents)*. Tehran: The Center for studying and compiling University Books in Humanities (SAMT). (in Persian)
- Hillman, J. (1995). *Discovering children's literature*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Hosseynzadeh Salati, A. (2009). An Investigation and analysis of the story elements in the prose works of Mostafa Rahmandoust (Master's thesis). Shahrekord University, Shahrekord. (in Persian)
- Huck, C. S., Hepler, S. I., Hickman, J., & Kiefer, B. Z. (1997). *Children's literature in the elementary school*. New York, NY: Holt, Rinehart and Winston.
- Hunt, Peter (2007). *Understanding children's literature* (M. Noormohammadi, Trans.). Ghazvin: Sayehgostar. (Original work published 1998) (in Persian)
- Jafari, N. (2016). The typology of symbols in the children and adolescent's literature of the 2000s (Master's thesis). Hakim Sabzevari University, Sabzevar. (in Persian)
- Kowsar Ahmadi, A. (1994). *An analysis of illustration in children's books* (Master's thesis). Tarbiat Modarres University, Tehran. (in Persian)
- Krippendorff, K. (2018). *Content analysis: an introduction to its methodology* (H. Naeini, Trans.). Tehran: Nashr-e Ney. (in Persian)

- Kuo, C. H. (2005). *A post-colonial critique of the representation of Taiwanese culture in children's picture books* (Doctoral dissertation). The Ohio State University, Ohio.
- Maktabifard, L. (2010). *Study of the compatibility of the content of stories written by Iranian authors for the children and adolescents of age group "C" with the skills and components of critical thinking* (Doctoral dissertation). Shahid Chamran University, Ahwaz. (in Persian)
- Mastur, M. (2001). *The basics of short stories*. Tehran: Nashr-e Markaz. (in Persian)
- Mirafkani Zaboli, F. (2015). *A review of the content of the children's stories (for age groups A through C) published through 1980s* (Master's Thesis). Imam Reza International University, Mashhad. (in Persian)
- Mirsadeghi, J. (1998). *The fiction dictionary*. Tehran: Ketab-e Mahnaz. (in Persian)
- Mirsadeghi, J. (2006). *Elements of fiction*. Tehran: Sokhan. (in Persian)
- Mohammadi, M. (2012). Studying The Publication Status of Religious Stories for Children and adolescents during 2001-2006 in terms of content quality, construction, and the quality of language and expression. *Journal of Children Literature Studies*, 3(1), 109-134. (in Persian)
- Mohammadi, M. (2013). Iranian Children and Young Adult's Literature, 1974-2011: a Content Analysis. *Research on Information Science and Public Libraries*, 19(1), 111-133. (in Persian)
- Mohammadi, M., Arab Sheybani, Z., Falsafin, S., & Khavidaki, S. (2018). An analysis of the characteristics of Persian best-selling youth fictions published between 2000 and 2010. *Research on Information Science and Public Libraries*, 24 (1). 125-147.
- Najafi Behzadi, S. (2016). A comparative study of the theme of fictions written by prominent Iranian and world children writers (Master's thesis). Shahrekord University, Shahrekord. (in Persian)
- Nematollahi, F. (2006). *Children and adolescent literature: identification, evaluation and valuation of textbooks*. Tehran: Madrese. (in Persian)
- Nikolajeva, M. (2008). *Beyond the grammar of story*. In *In Quest for the Centre: Greats of Children's Literature Theory and Criticism* (M. Khosronejad, Trans.). Tehran: Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults (in Persian)
- Norton, Donna E. (2003). *Through the eyes of child: an introduction to children's literature*. (M. Raei et al., Trans.). Tehran: Ghalamro. (in Persian)
- Nowruzitalab, A. (1997). The story of picture, the picture of story. *Fictional Literature*, 45, 13-19. (in Persian)
- Orsolini, M. (1990). Episodic structure in children's fantasy narratives: "Breakthrough" to decontextualised discourse. *Language and Cognitive Processes*, 5 (1), 53-79.
- Report of the Children's Book Council* (1986). Tehran: The Children's Book Council. (in Persian)
- Russell, D. (1997). *Literature for children: a short introduction*. New York: Longman.

- Sadeghi, F. (2006). Illustrated Story or Bilingual Stories: Notes on the Illustration of the Children's Books. *Ketabe Mahe Koodak va Nojavan*, (101), 203-206. (in Persian)
- Safari, S. (2014). Investigating the structures of illustrating in the children and adolescents' books. *Chideman Journal*, 7, 76-84. (in Persian)
- Saghafian, R. (2009). *Investigation and analysis of the element of personality in the most prominent works of fiction literature for children: Post- revolution era* (Master's thesis). Tarbiat Moddares University, Tehran. (in Persian)
- Saghafiankhu, A. (2013). *A structural and content analysis of children's and adolescent's Ashura stories in the 1990s and 2000s for age group of B and C* (Master's thesis). Shiraz University, Shiraz. (in Persian)
- Sarani, F. (2013). *An analysis of the symbols in the poems of Shokuh Ghasemnia and Biuk Maleki* (Master's thesis). University of Birjand, Birjand. (in Persian)
- Shoari Nezhad, A. (1999). *Children's Literature*. Tehran: Ettelaat. (in Persian)
- Al-Sudairi, N. M. (2000). *Children's books of Saudi Arabia: Literary and cultural analysis* (Doctoral dissertation). University of Arizona, Arizona.
- Todorov, T. (2006). *Théorie de la littérature*. Translated by A. Tahaei. Tehran: Akhtaran. (in Persian)
- Yunesi, E. (2009). *The art of story writing*. Tehran: Negah. (in Persian)
- Zeynali, E., Asadollahi, Kh., & Saadzadeh AniOlia, M. (2015, march). *The analysis of the symbol and symbolism in the children's fictional literature of the Holy Defense (Iran-Iraq War)*. Paper presented at the International Conference on Literary Inquiries, Language and Cultural Relations, Ardebil. (in Persian)
- Zhang, H. (2011). *Representations of Chinese culture and history in picture books of the Westerville Public Library: Educational quality and accuracy of children literature about China and Chinese culture* (Doctoral dissertation). Otterbein University, Otterbein.

به این مقاله این‌گونه استناد کنید:

جباری، دل‌آرام و رداد، ایرج (۱۳۹۸). بررسی عناصر داستان در کتاب‌های کودکان گروه سنی «ج» منتشر شده در فاصله سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۰. *تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*، ۲۵ (۱)، ۱۱۷-۱۵۲.

Jabbari, D., & Radad, I. (2019). A Study into the Narrative Elements in the Children Books of the Age Group C Published During 2010-2015. *Research On Information Science & Public Libraries*, 25(1), 117-152.